

مروری بر کتاب ویولون زن روی پل اثر خسرو باباخانی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۲۰ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۵

DOR: [20.1001.1.27835480.1401.2.7.2.9](https://doi.org/10.27835480.1401.2.7.2.9)



محبوبه جعفرقلی

بیست نفر. گفتم: «من در برابر مردم سرزمین ام نه آبرویی دارم، نه اعتباری.» گفتم: «من بیش از سی سال در ظلمت زیسته ام، اما راهی به نور نمی یافتم. تا آنکه خداوند ولی من شد و من را از ظلمت به سوی نور هدایت کرد.» گفتم: «من این خاطرات را نوشتم تا راه را به چند میلیون مصرف کننده مواد مخدر نشان دهم. ممکن است بگویند شاید یک نفر راه بیابد. من می گویم در این صورت هم اجرم را گرفته ام. در مقابل رنج بی انتهای مصرف کننده ها و خانواده هایشان آبرو و اعتبار خانواده من چه اعتباری دارد؟ هیچ.»

در آغاز سؤالی مطرح می شود که در پاسخ به آن باید در هزاران کتاب تأمل و جست و جو کرد.

آیا هر چیزی به یکبار تجربه کردن آن می ارزد؟ در بعضی موارد، بله گفتن جواب عاقلانه نیست، گاهی می تواند سرسره ای غیر قابل برگشت باشد. مسیری که متوقف نمی شود.

اگر شمه ای از تاریخچه اعتیاد گفته شود، شاید این مسیر سرسره ای را به خوبی درک کنیم. بر حسب تصادف به کتاب ماجرای کله پاچه و شیرینی خامه ای و اعتیاد برخوردیم. اکنون ارتباطش را با بحث عرض می

این نوشته، نگاهی متفاوتی است به کتاب ویولون زن روی پل اثر خسرو باباخانی که در سال ۱۴۰۱، انتشارات جام جم آن را به چاپ رسانده است. این کتاب، تجربه زیستی نویسنده در خصوص مصرف مواد مخدر و رهایی از آن است. در صفحه ابتدایی کتاب، یادداشتی به خط نویسنده خوش می درخشد که آبرویش را در کف دست گذاشته تا مگر بتواند انسان دربند موادی را آگاه کند و راه ظلمت به سوی نور را نشان او دهد.

«آبروی ات، اعتبارت، خانواده ات چه می شود؟!» گفتند: «آبروی هر انسانی مثل آب می ماند گرفته بر کف دودست، کافی است لای دو انگشتت باز شود، آبرو می ریزد و آنگاه جمع کردنش ناممکن.» گفتند: «با این خاطراتی که نوشتی لای هرده انگشت ات را باز کرده ای! چند نفر گفتند؟»

* mahboubeh_jafarholi@semnan.ac.ir



انفجاری و تصاعدی پیش رفت. (شهیدی، ۱۳۸۲، نقل از کاکاوند، ۱۳۹۸)

آنچه در سندهای قدیم مثل شاهنامه فردوسی است اسکندر مقدونی به علت پرخوری، اسهال یا به قول فردوسی سستی روده می‌گیرد پزشک هندی با فراهم آوردن تریاک او را معالجه می‌کند. (کاهه، ۱۳۸۹، صص ۲۷ و ۲۶، نقل از کاکاوند، ۱۳۹۸)

«پزشک سراینده آمد به کوه
بیاورد با خویشتن زان
گروه
گیاهان کوهی، فراوان دُرود
بیفگند زو هرچ بیکار
بود

ازو پاک تریاکها برگزید
بیا میخت دارو چنان چون
سزید

تتش را به داروی کوهی بشست
همی داشتش سالیان
تن درست» (بخش ۱۳، پادشاهی اسکندر)

مصرف تریاک از دوره ناصرالدین شاه قاجار افزایش پیدا می‌کند و حکومت او کشت خشخاش را در ایران رواج می‌دهد. تریاک خوری در ایران سابقه هزار ساله دارد؛ اما بعضی آن را اشاعه به مغولان، چینی‌ها یا سربازان نادر بعد از مراجعت از هند می‌دهند، ولی به طور قطع در زمان حکومت کریم‌خان ایران با مسئله اعتیاد و مصرف تریاک و حشیش آشنا بوده است.» (کاکاوند، ۱۳۹۸)

حال، اگر بخواهیم خود متن ویولون زن روی پل را به عنوان ابژه قرار دهیم و چون فرمالیست‌ها بخواهیم به متن پردازیم، از جامعه شناختی اثر دور خواهیم شد.

میشل زرافا نویسنده کتاب جامعه‌شناسی ادبیات معتقد است: «رمان باید بتواند تاریخ جامعه را نه در ادبیات که از طریق ادبیات در معرض دید خواننده بگذارد. پس در برخورد با آن باید توجه داشته باشیم که با نوعی هنر سروکار داریم.» (زرافا، ۱۳۸۶، ص ۹)

بر اساس دیدگاه من نگارنده، کتاب ویولون زن، تاریخ جامعه و گروهی را بازگو می‌کند که تعدادشان هم در سراسر

کنم. نویسنده می‌گوید: «ما همه به طور طبیعی ولع داریم که نیاز حیاتی انسان برای ادامه زندگی است. مدارهای مغزی ولع، مصرف را در مسیرهای عصبی حواس پنج‌گانه تحریک می‌کند. این مدارها با فعال کردن مراکز مغزی ولع در انسان به طور طبیعی احساس نیاز به مصرف را ایجاد می‌کند و انسان را وسوسه می‌کند. مصرف مواد خوراکی مواد مخدر مواد محرک که همه آن‌ها عوارض رفتاری و جسمانی و روانی دارد نه تنها عوارض بلکه دزد مدارهای ولع هم هستند. در دفعات ابتدایی مدارها را تحت کنترل خود قرار می‌دهند. در دفعات بعدی سیری ناپذیراند. وابستگی مصرف و وابستگی روانی را در پی دارند.» (اختیاری، ۱۳۹۱) این همان سراسره غیرقابل بازگشت است.

«اعتیاد نوعی آسیب اجتماعی و یک پدیده انحرافی است. مسئله اعتیاد مشکلی کهنه است و همواره به شکل مسئله اجتماعی و اقتصادی حاد مطرح می‌شود. اگر به تاریخچه مصرف اعتیاد در جهان نظر کنیم، حدود شش هزار سال قبل سومری‌ها در کتیبه‌های خود گیاه خشخاش را شادی‌بخش می‌نامیدند.

هندوها دوهزار و هشتصد سال پیش برگ رزین گیاه شاه‌دانه را در مراسم مذهبی مصرف می‌کرده‌اند. ساکنان منطقه آندرین آمریکا حدود ششصد سال قبل برای رفع کاذب‌گرستگی برگ‌های بوته کوکا را می‌جویدند.

بعدتر مصرف گیاهان و قارچ‌های توهم‌زا در میان اقوام مختلف به‌ویژه در مراسم‌های مذهبی معمول بوده است. (اسعدی، ۱۳۸۱، ص ۱۱۲، نقل از کاکاوند، ۱۳۸۹) هرودت و ارسطو هیپوکرات از تریاک در کتاب‌هایشان بسیار سخن گفته‌اند. زنان مصری از شربت تریاک برای رفع و تسکین غم استفاده می‌کرده‌اند. (غنجدی، ۱۳۸۷، نقل از کاکاوند، ۱۳۹۸) از قرن شانزدهم با توسعه بازرگانی و تصرف هندوستان به وسیله انگلستان کم‌کم به سراسر دنیا گسترش پیدا کرد. از طرف انگلستان در هند به درباریان ایران پیشکش می‌شد و حتی گاهی به عنوان مسکن برای اطفال و نوزادان نیز تجویز می‌شده. مصرف مواد مخدر در زمان جنگ جهانی اول و دوم بین نیروهای رزمنده غالب بود بعد از آن به حالت

آلدو روسی نویسنده اتوبیوگرافی علمی معتقد است: «زندگی همانند معماری هست تا زمانی که ما چیزی را جستجو می‌کنیم منحصرأً فقط آنچه را می‌جوییم نمی‌یابیم. سیمای نظم معماری ما را به مفهوم هویت و از دست دادن آن هدایت می‌کند. مشاهده و درک چیزها مهم‌ترین شکل آموزش است بعدها به خاطره و حافظه تبدیل می‌شود. بنابراین تاریخ را برای تاریخ شخصی خودم جستجو و ترجمه کردم. منتقد باید سخت باشد تا بتواند تمام این چیزهایی است که در درون من است درک کند.» (آلدو روسی، ۱۳۹۸، ص ۳۹)

با توجه به گفته روسی، برای هر منتقدی دشوار است، آنچه را که در درون شخصیت خسرو اتفاق می‌افتد، درک کند. خسرو از کارش اخراج شده و برای خرید مواد پول ندارد. در مواجهه با موادفروش به گریه می‌افتد؛ اما همسر او، دلش به رحم می‌آید.

«خیس عرق و شکسته از در بیرون زدم که صدایم زد: آقاخسرو، برارم بیا. مشت بسته اش را توی کف دستم باز کرد. دوهزار تومان پول بود. گفت: گفتم پول ندارم. با این برگرد خانه. برار شرمنده، بیشتر نداشتم... خیابان‌ها شلوغ بود. کی به کی بود؟ که می‌فهمید من تا چه حد ویران شده‌ام، تا چه حد شکسته‌ام و چقدر دلم می‌خواهد بمیرم.» (باباخانی، ۱۴۰۱، ص ۱۵)

آلدو روسی می‌گوید: «واقعیت و تفسیر آن، دو چیز متفاوت هستند که اغلب وسواسی وجود دارد که بر روی هر کدام واقع می‌شود. این وسواس‌ها کدهای مخفی پروژه‌های دیگر هستند مثل مرز و دیوار بین آن‌ها.

او همچنین می‌افزاید: در شهر زوریخ برج‌هایی وجود داشت که بر بالای آن پرچم‌های فلزی صلیب علیه آلمان سرد و سفید افراشته شده و انگار شکایت می‌کند و مرا به یاد شعر نیمی از زندگی اثر هولدرین می‌اندازد:

دیوارها ایستاده‌اند خاموش و سرد. در باد شکوه‌های پرچم‌ها.» (اتوبیوگرافی علمی، ۱۳۹۸، ص ۸۸)

جهان کم نیست و همچنین صد صفحه اول کتاب، خود هنری شگرف است.

«هنری جیمز می‌گوید: رمان‌نویس اطلاعات زندگی اجتماعی را تحلیل و بعد تفسیر می‌کند و معتقد است نویسندگی باید حاصل مشاهده و تجربه منطقی یک واقعیت مشخص باشد.» (زرافا، ۱۳۸۶، ص ۱۲)

باباخانی هم اطلاعاتی از جامعه مصرف‌کننده در اختیار خواننده می‌گذارد و بعد در برخورد با دکتر مشاور، شروع به شرح و تفسیر می‌کند. همه این اطلاعات هم محصول تجربه زیستی و واقعی اوست.

«بنا به اصطلاح جامعه‌شناسی تقسیم‌بندی رمان در زمینه واقع‌گرایی و عدم واقع‌گرایی نشانه این است که رمان الگوهایی برای زندگی اخلاقیات و احساسات و بخش‌های مختلف جامعه پیشنهاد می‌کند. از بالزاک تا جیمز رمان از توصیف اجتماع به طرف تفسیر اجتماعی حرکت می‌کند. نوع شخصیتی که انتخاب می‌شود جامعه را عنصری عینی تلقی می‌کند که خود متعلق به آنست و فشارهای غیرقابل قبول را بر او تحمیل می‌کند. خود شخصیت منعکس‌کننده جامعه نیست، بلکه منعکس‌کننده امور اجتماعی است. همیشه این فرد است که بعد اجتماعی رمان را فراهم و منعکس می‌کند.» (زرافا، ۱۳۸۶، صص ۲۱ و ۳۳ و ۵۲)

شخصیت خسرو، فشارهای بسیاری را تحمل می‌کند. بیماری پسرش، درگیری با پلیس، بحث با موادفروش و تحقیر شدن‌ها، ترک‌های ناموفق و در آخر خودکشی.

هیچ هنر یا گونه‌ای دیگری از ادبیات وجود ندارد که بتوان آن را دربرگیرنده حقایق فراوان وجود انسانی دانست؛ مگر رمان و مضمون آن. چیزی نیست جز حیات ارزش‌ها. جای تعجب نیست که ترسیم خط جامعه‌شناسی رمان و جامعه‌شناسی ادبیات به‌طورکلی مشکل است؛ زیرا خود اساس ادبیات را تشکیل می‌دهد. (همان، ص ۱۴۵-۱۴۶)

بنا بر دیدگاه من، این اثر ادبی را می‌توان هم در قالب رمان جای داد و هم در قالب زندگی‌نامه یا اتوبیوگرافی.



های دینی مرسوم

بوده است. مثل سیره پیامبر اسلام.

«زندگی نامه‌های فردی در ایران از سه جهت حائز اهمیت است: بخش شفاهی، استبدادزدگی جامعه و تکثر بالای فرهنگی و اجتماعی جامعه ایران. این تکثر فرهنگی و اجتماعی باعث ورود به بحث جامعه‌شناسی شده است.

شفیعی کدکنی می‌گوید: زندگی‌نامه‌ها در هر دوره، از نیازهای اجتماعی خاصی برمی‌خیزند و نیازهای اجتماعی خاص را نیز پاسخ می‌دهند.» (سلیمانیه و دیگران، ۱۳۹۸) «ایران چون بعثت قرار گرفتن بر سر راه ترانزیت مواد از کشورهای دیگر است براساس آمار سال ۱۳۸۳ دو میلیون نفر قربانی مواد مخدر بوده‌اند. در این روند، آسیب‌های اجتماعی و روانی بسیاری برجا گذاشته است. نابودی زندگی‌ها، متلاشی شدن خانواده‌ها، آلوده شدن مدارس، بدنام شدن قهرمانان و خودکشی و...» (کاکاوند، ۱۳۹۸).

برگردیم به آلدو روسی که معتقد است: «آغاز و پایان هر چیزی بسیار مهم است. او تمام تأثیرات دوران کودکی‌اش را از پیامبر ایجه یا الیاس می‌داند که تمام حافظه و تصور برخی رخدادهایش را تحت تاثیر قرار داده است و کتاب بزرگ و کامل داستان‌های مقدس که به اشکال متراکم چاپ شده است و همین‌طور ارابه‌ای آتشین که توسط رنگین‌کمان به سوی آسمان صعود کرد و پیامبری عظیم بر آن ایستاده است.

با دانستن اینکه تمام مذاهب براساس مرگ و قیامت و رستاخیز بنا نهاده شده است و این امر نمادی از رابطه میان انسان با خدا است.» (آلدو روسی، ۱۳۹۸، ص ۱۳۹)

می‌توان اشاره ای به دعا شنیدن شخصیت از تلویزیون کرد که باعث شد حتی در بدترین لحظه از زندگی، در زمان خودکشی بعد از مصرف مواد و قرصها، ارتباطش را با خدا حفظ کند.

«دل درد که شروع شد، امانم را برید. به ناله افتادم.

الغوث الغوث خلصنا من النار یا رب

من کجا و رحمت خدا کجا؟ من کجا و رهایی از آتش

توجه شما را به پرچم در فصل بهشت کتاب ویولون زن جلب می‌کنم. با وجود آنکه شخصیت متعجب است چطور متوجه آن نبوده اما برافراشته شدن پرچم نمادی از شکوه نیست. نمودی از رهایی و آزادی است. درآمدن از ظلمتی به سوی نور، در نور است که می‌توان اجسام را دید.

«قدم زنان رستم سمت پل طبیعت... به پرچم رسیدم. رستم کنار کتیبه سازه پرچم ایستادم... این سازه عظیم و غرور انگیز مثل من سفر کرده بود از مرداد ۹۰ تا مهر ۹۱. چرا متوجه نشده بودم؟ سر بالا گرفتیم. پرچم عظیم و باشکوه بی نظیر، با غروری انسانی و قابل ستایش در باد به اهتزاز درآمده بود.» (باباخانی، ۱۴۰۱، ص ۲۱۷)

و اما آیا بیوگرافی و اتوبیوگرافی‌ها معرفی از وضعیت جامعه هستند؟ آیا با تحلیل آنها، می‌توان به ابعاد و ساحتی از زندگی اجتماعی دست یافت؟ جواب جامعه‌شناسی مثبت است.

زندگی‌نامه‌ها دارای ظرفیت‌هایی برای کشف لایه‌های معنایی زندگی و تجارب زیسته‌ی گروه‌های مختلف آن‌ها است. تفسیری بودن، بافت روایتی داشتن، تابعیت از متن فرهنگی و تاریخی که نویسندگان در آن قرار دارند. دستیابی به اندیشه‌های نیمه آگاه و ناخودآگاه. زندگی‌نامه نسبتی با بازاندیشی، اوج گرفتن فردی شدن و عبور از دوره پساجنگ، امکان روایت و خوانده شدن در جامعه امروز را دارد. زیرا پلی میان مسائل شخصی در درون جامعه و مسائل عمومی در ساختار اجتماعی هستند. (سلیمانیه و دیگران، ۱۳۹۸)

«اتوبیوگرافی تنها زمانی معنا پیدا می‌کند که بتوان در مورد آن‌ها صحبت شود.» (آلدو روسی، ۱۳۹۸) «مانند اعترافات در مسیحیت مثل اعترافات روسو، موریس مترلینگ؛ اما در جوامع اسلامی افشای راز، اشاعه گناه و عملی ناپسند است. شاید هم به قول محسن سلیمانی مترجم کتاب «چگونه زندگی زندگی‌نامه بنویسیم»، آبروداری افراطی باعث شد که زندگی‌نامه‌ها به قصد کشف حقیقت و ارائه یک شخصیت با ابعاد واقعی نوشته نشود؛ به جز موارد نادری مثل سنگی بر گوری جلال آل‌احمد که آن‌هم با اعتراضاتی مواجه شد.» (آزبورن، ۱۳۹۲) اما در گذشته، زندگی‌نامه‌ها و سیره نویسی

کجا؟ خود آتش

بودم. اختیار دست و پایم را نداشتم...

خواستم استغفار کنم. نکردم. ناامید شده بودم. داغ شدم. داغ داغ. یکپارچه می سوختم...

چقدر سخت است جان کندن. خدایا، آخرین چیزی که به ذهنم رسید، این بود؛ تا فکر و ذهنم کار می کرد «اشهد» ام را بخوانم تا لاقل مسلمان از دنیا بروم. گفتم: اشهد ان لا اله الا الله...» (باباخانی، ۱۴۰۱، ص ۲۱-۲۳)

«از دیدگاه ادیان توحیدی هر چیزی که به بدن ضرر برساند و باعث اختلال در انجام مراسم عبادی می شود رفتاری غیراخلاقی و گناه است. در قرآن سوره بقره می فرماید: با دست خویش خود را به مهلکه نیاندازید.» (کاکاوند، ۱۳۹۸)

شخصیت اصلی با مصرف مواد و تصمیم به خودکشی، یک رفتار غیراخلاقی و گناه انجام می دهد. اما در فصل بهشت از کتاب ویولون زن، ماه طاووس گفت: «آیا گناه های تو از رحمت خدا بیشتر است؟» (باباخانی، ۱۴۰۱، ص ۲۲۲)

«در کشورهای مختلف گروه هایی معتقدند که این مواد هم مثل دیگر مخلوقات، می تواند هدیه خداوندی باشد برای منابع هیجانی و جسمانی انسان بنابراین در خیلی از کشورها فروش و مصرف آن آزادانه شد، اما گروه هایی هم با آنها به شدت به مخالفت پرداخته اند، چون آن را باعث تخریب اجتماعی می دانند. جامعه شناسی، این بی نظمی اجتماعی را در قالب دو نظریه می آورند: کج رفتاری های زیستی و زیستی کج رفتار.

دورکیم بنیانگذار جامعه شناسی معتقد است جرم و بزه کاری قسمتی از آزادی است که جوامع مدرن به اعضای خود هدیه می دهد و آنها را به سرکشی مقابل هنجارهای اجتماعی ترغیب می کند و میگوید هیچ عملی ذاتاً جرم نیست بلکه بستگی به شعور مشترک هر جامعه دارد. باید ابتدا کج رفتاری ها شناسایی، بعد یادگیری، و بعد کنترل شود.

در یادگیری اجتماعی بیان می شود که اعتیاد گناه نیست.

فرد، قربانی بیماری نیست، بلکه قربانی موقعیت هایی است که بر او حادث شده و به تنهایی نمی تواند به آن پاسخ گو باشد. این یک نوع رفتار اکتسابی است که از اطرافیان و نزدیکان فراگرفته است که بقیه با هم نوایی و نوآوری شعائر گرای می توانند این کژ رفتاری ها را بهبود بخشند.» (کاکاوند، ۱۳۹۸)

در این کتاب هم شخصیت قربانی رفتار اطرافیان شد. در پاسخ به سوال روانشناس بیمارستان که می پرسد:

« - چه طوری با مواد مخدر آشنا شدی؟

- دایی بعضی روزها من و برادرم سهراب را می برد خانه یک آقایی به اسم عبدالله سیبل. طرف خودش بساط داشت...» (باباخانی، ۱۴۰۱، ص ۳۲)

ماه طاووس، همسفرش با هم نوایی و بنیان جمعیت جامعه احیای انسانی، با نوآوری ها و روش های بدیع، کج رفتاری او را بهبود دانند.

«کافی است نام من را بخوانی. قول می دهم در ظلمت مطلق هم که باشی، پیدایت کنم. دورت بگردم.» (همان، ص ۲۲۳)

منابع

- آلدو روسی، (۱۳۹۸). یک اتوبیوگرافی علمی، مترجم روح الله عشریه- محمدرضا جابری نسب، چاپ اول، نشر طحان
- اختیاری، حامد ، آذرخش مگری، (۱۳۹۱). ماجرای کله پاچه و شیرینی خامه ای و اعتیاد، نشر مهرسا
- باباخانی، خسرو، (۱۴۰۱). ویولون زن روی پل، تهران، نشر جام جم، چاپ اول
- د. آزبورن، برایان- سایر، ریچارد (۱۳۹۲). چگونه زندگینامه بنویسیم؟ مترجم محسن سلیمانی. چاپ اول، نشر سوره مهر
- زرافا، میشل، جامعه شناسی ادبیات داستانی. (۱۳۸۶). مترجم نسرین پروینی. تهران. نشر سخن
- کاکاوند، یونس (۱۳۹۸). جامعه شناسی اعتیاد،

تهران. نشر پیک اندیشه آموزگار

- سلیمانیه، مهدی، شریعتی، سارا و دیگران، مقاله خودزندگینامه ها در جامعه شناسی. فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات. سال ۱۵. شماره ۵۴ / بهار ۱۳۹۸

